

گزارش یک پژوهش دربارهٔ قصیدهٔ فرزدق

دکتر عبدالحسین طالی^۱

مقدمه

چکامهٔ جاودانهٔ فرزدق نگرینی درخشان بر تارک ادبیات عرب است، هم به جهت قوت ادبی و جایگاه ویژهٔ آن در سپهر ادبیات، و هم از آن جهت که دفاعی جانانه از امام سجاد علیه السلام و معرفی زیبایی از آن حضرت در فضای ننگین و مسموم اموی در بردارد، به ویژه آنکه فرزدق آن را شجاعانه در حضور خلیفهٔ اموی خواند و بدین سان به مانند رویدادی اثرگذار در تاریخ ادب عرب ثبت و ماندگار شد.

دربارهٔ این قصیده پژوهش‌های مختلفی در زبان فارسی و عربی انجام شده که این یادداشت مجال ثبت آنها را ندارد. بلکه بر شمردن این پژوهش‌ها خود به گفتاری مستقل نیاز دارد.

در سال ۱۳۶۲ مقاله‌ای از یکی از اساتید دانشگاه منتشر شد که نکاتی در تشکیک نسبت این قصیده به فرزدق مطرح کرده بود. چند سال بعد مقاله‌ای از دکتر منصور پهلوان منتشر شد که اگرچه عنوان آن نقدی بر مقالهٔ پیشگفته بود، ولی درونمایهٔ آن به گونه‌ای بود که ارزش و فایدهٔ آن از نقد یک مقاله فراتر رفت.

مقالهٔ دکتر پهلوان با عنوان «نقدی بر پژوهشی پیرامون قصیده‌ای بزرگ» در مجلهٔ مقالات و بررسی‌ها (نشریهٔ دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران) شماره ۵۷-۵۸ (سال ۱۳۷۳-۱۳۷۴) ص ۱۸۵-۲۲۳ منتشر شد. پس از انتشار مقاله نسخه‌ای از آن به دست استاد فقید مرحوم دکتر احمد مهدوی دامغانی رسید و ایشان ضمن نامه‌ای به

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه قم

نویسنده مقاله نکاتی مهم نوشتند که این نامه تا کنون منتشر نشده و برای نخستین بار از طریق این یادداشت انتشار می‌یابد.

در این یادداشت پس از مروری بردرونیامیه این مقاله متن و دستخط نامه مرحوم دکتر مهدوی دامغانی با توضیحات مختصر ضروری ارائه می‌شود.

مرور مقاله « نقدی بر پژوهشی پیرامون قصیده ای بزرگ »

این مقاله پس از مقدمه ای کوتاه در ۱۴ بخش سامان گرفته که معرفی کوتاه این بخشها در پی می‌آید.

۱. بخش یکم فهرستی از ۴۵ دانشمند، شاعر، راوی شعرو مورخ و ادیب شیعه و سنی است که در طول سال ۱۱۰ تا ۳۵۰ به قصیده فرزدق اشاره یا متن آن را نقل کرده اند.

۲. بخش دوم پاسخی است به این مدعا که فرزدق شعری در مدح یزید بن عبدالملک سروده، پس نمی‌تواند مدح امام سجاد علیه السلام باشد.

۳. پاسخی به اشکال عمر فروخ بر قصیده در بخش سوم آمده است.

۴. مروری بر گزارش علامه مجلسی از قصیده فرزدق.

۵ و ۶ و ۷. مروری بر دیدگاه ابوالفرج اصفهانی در مورد قصیده.

۸. بحث در باره ممدوح فرزدق و پاسخ به تردید در این زمینه.

۹. توضیح در مورد کلام سید مرتضی در باره قصیده فرزدق.

۱۰. متن کامل ترجمه منظوم جامی از قصیده فرزدق و مقایسه آن با متن قصیده به روایت ابن شهر آشوب.

۱۱. پی گیری نقل قصیده فرزدق در پنج چاپ دیوان فرزدق

۱۲. تحقیق در باره سن فرزدق در زمان سرودن این قصیده.

۱۳. توضیحی در باره کلام اربلی در مورد قصیده فرزدق.

۱۴. فهرست ۳۵ تن از دانشمندان شیعه و سنی که از سال ۳۵۰ تا ۱۱۱۰ به قصیده فرزدق

اشاره یا بخشهایی از آن یا متن کامل آن را نقل کرده اند.

نامه دکتر مهدوی دامغانی به نویسنده مقاله

اشاره شد که استاد فقیه مرحوم دکتر احمد مهدوی دامغانی پس از نشر مقاله دکتر پهلوان در مجله مقالات و بررسیها نامه ای به ایشان نوشته اند که در اینجا برای نخستین بار منتشر می شود. دکتر مهدوی در این نامه اشاره می کند که قصد نوشتن مقاله ای در این مورد داشته که با دیدن این مقاله تحقق هدف خود را مشاهده می کند.

همچنین ماجرای را که با مرحوم استاد شیخ عبدالله نورانی دارد یادآور شده که مناسب است به آن ماجرا اشاره شود.

دکتر مهدوی دامغانی در جای دیگری در این مورد می نویسد: «یک مطلب هم از صفا و وفاداری این مرد نازنین (مرحوم نورانی) بگویم. مرحوم برادرم آقای حاج شیخ محمدرضا (رحمة الله علیه) در مراجعت از سفر حج یا عمره ای به من فرمود: یک شب در حالی که جامه احرام برتن داشتم با همه ازدحامی که برای التجا به مکه معظمه و تمسک به پرده مطهره بود به هر زحمتی خود را به نزدیک کعبه رساندم ولی دستم به پرده مطهره نمی رسید. چون مردی که او هم مُحْرِم بود در جلوی من به پرده کعبه چسبیده و دستها را به نحو معهود و به نشانه نهایت خضوع بر پرده دراز کرده و دعا و راز و نیاز می نمود و من هم منتظر بودم که جا باز شود و به مانند او خضوع و تضرع کنم. و ناگهان در آن حال که کسی به کسی نبود شنیدم که همان مردی که تقریباً جلوی من ایستاده و پشتش به من بود به حق تعالی جل جلاله عرض می کند: خدایا استادان من حاج شیخ هاشم و حاج شیخ کاظم را بیامرزد و اجر به آنان مرحمت فرما.

دیدم صدا آشنا است. به زحمت خودم را به کنار او جا دادم و از حالت تضرع و خضوع خودم منصرف شدم و دقت کردم که این مرد پهلوی من که صدایش آشنا است کیست و دیدم ایشان آقای حاج شیخ عبدالله نورانی است...» (احیاگر میراث، یادنامه استاد عبدالله نورانی، ص ۶۵-۶۶).

۱. مراد، دو عالم بزرگ حوزه علمیه مشهد در آن سالها است: آیه الله شیخ هاشم قزوینی و آیه الله شیخ محمد

اینک متن نامه مرحوم دکتر مهدوی دامغانی در نخستین سالگرد رحلت آن دانشی مرد نقل می‌شود.

متن نامه دکتر مهدوی دامغانی Harvard University

هو

خدمت فاضل ارجمند جناب دکتر منصور پهلوان دامت توفیقاته

السلام علیکم

آقای عزیز دستتان درد نکند و خدا حفظتان کند و مؤیدتان بفرماید و توفیقتان را مستمر و مستدام بدارد.

برحسب تصادف شماره ۵۷-۵۸ مجله مقالات و بررسیها را زیارت کردم و مقاله بسیار محققانه و فاضلانه و دندان شکنانه حضرت عالی درباره قصیده فرزدق - ره در مدح حضرت سجاد - صلوات الله علیه چشمم را روشن و دلم را شاد ساخت. بنده در همان سال ۶۲ وقتی که آن حرف های بیهوده را خواندم به دوست مشترکمان؟) درست می گویم دوست مشترکمان آقای ا.ا) تعرض کردم و تذکر دادم و خودم داشتم تقریباً همین کاری را که حضرت عالی با دقت و ظرافت انجام فرموده اید جمع آوری می کردم که دیگر فرصت تکمیل آن را پیدا نکردم و از ایران بیرون آمدم - به هر حال معلوم می شود که تحقق نام حضرت عالی در "پهلوان" شرط متأخری داشته است که همین مقاله باشد که اثبات پهلوانی خودتان را در تحقیق فرموده اید. باز هم حضرت عالی را تحسین می کنم و آفرین عرض می کنم. خداوند به حق حضرت سجاد صلوات الله علیه این مقاله را مایه ی روسفیدی جناب عالی در نزد حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم قرار دهد و چون قطعاً منظور نظر مبارک صاحب اصلی مقاله یعنی حضرت سجاد علیه السلام قرار گرفته است ان شاء الله ذخیره آخرت شما باشد.

اگر به حضور حضرت مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای نورانی روحی فداه می

رسید عرض سلام و اخلاص و دعاگویی این بنده را خدمتشان عرض بفرمائید و بسیار متشکر می‌شوم که ضمن تقدیم سلام بنده به معظم له بفرمائید: = اخوی از حال خوش و ادعیه طیبه و انفاس قدسیه ی زکیه ی حضرت ایشان در مسجد الحرام و در موقع استلام حجر = در تلفن برای بنده حکایت و نقل کردند، جزاه الله خیراً. و متعنا الله ببقائه و بافاضاته العالیة. همچنین تقدیم سلام بنده خدمت حضرات اساتید دکتر مجتبائی، دکتر فیض، دکتر شیرازی، دکتر محبتی ادام الله عزهم موکول به لطف عالی است و نیز دکتر اسعد شیخ الاسلامی عزیز - حفظه الله تعالی و رحمة الله علی ابیه الجلیل. والسلام علیکم.

احمد مهدوی دامغانی

وضع دانشکده الهیات چطور است؟

ما لسلمی و من بذی سلم

این جیراننا و کیف الحال

تکراراً عرض می‌کنم فی الواقع جناب عالی با تحریر این مقاله از عقده ی دل این مخلص که چندین سال بود گلوگیرم شده بود، مرا خلاص فرمودید. خدا خیرتان بدهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



CENTER FOR MIDDLE EASTERN STUDIES
HARVARD UNIVERSITY
1737 Cambridge Street
Cambridge, Massachusetts 02138
Tel: (617) 495-4055
Fax: (617) 496-8584

۵۵ / ۱۱ / ۲۵

۶

فهم گشت فاضل از جناب دکتر محمد بهروز دست زقانه
 ایلم علیکم
 در عزیز دستان در رنگد و خدا حفظان کند و کویان
 در ترفیقان سوگند استام ارا در بر حسب تعارف تاریخ ۵۸-۵۷ مکتب تالار در
 راز از اسکرام و تقاد بسیار محققانه در ماضیانه و دوزان شگانه
 در باب قصه فرودن در مجمع حضور سجاد صلوات الله علیه چشم را درین دوزان
 شاد رفت بند در میان سال ۴۴ و حضور آن عارف بهیچ راه اندام بهیچ
 (درست میگوم و دست شتر کمان ۱۰۱) تو فرض کردم دگر دارم و مردم
 همنی کلمه را که حضور عالی با دقت و ظرافت انجام فرمایید همه آدمی میگوم که در
 زلفت بکسیر از اسیر میگوم و از اسیر بیرون آمدم - هر حال مسلم نموی که تحقق
 نام حضور عالی در پیوسته ۱۱ به تشریفات فرستادند است که همنی تقاد با است
 که اجابت بهیچون فغان و در تحقیق زبیر ای با بیم مغفول را محبتی نگنم

سال بیستم، شماره ۷۸، بهار ۱۳۹۲

در آن روزی که خداوند بحسب صورت کلام صحت بهمید از تقاضای ما این روایت را فرمود
 از آن حضرت حضرت زینب علیها السلام را در رسم قرار داد و چون قطعه نظاره نظر سار را صحیح
 تقاضا فرمود، امسک علیه السلام قرار گرفت آن ساری زنده اوست تا باشد.
 اگر چه حضرت تقاضای علم بهمید هر روز در وضعی امسک علیه السلام را فرمود
 در عاقله این ساری افرینش عرفی نباشد و در استکونیم که فخر تقیم بهمید
 بمسقط نباشد. = اخرا از حال خوشتر دادیم طبعه دنیا سر قدسیه زیاده
 صورت این در سید محام و در ترمذ اسلام حج = در سخن بر این طایفه و تقاضا
 جزا امضیا در تقاضای بقیه در جافان خاطر ایام امضی تقیم سلام بر این حضرت
 دکتر حبیبی - دکتر فاضل - دکتر زینب - دکتر محمد اداام - عزیم سکرول بلطف علامه در آن روز
 الامام عزیز ضیفه تبار در قم ایام امسک علیه السلام در سید محام
 وضع در سید محام ایام امسک علیه السلام در سید محام
 ایام امسک علیه السلام در سید محام ایام امسک علیه السلام در سید محام

مگر در آن روزی که خداوند بحسب صورت کلام صحت بهمید از تقاضای ما این روایت را فرمود
 از آن حضرت حضرت زینب علیها السلام را در رسم قرار داد و چون قطعه نظاره نظر سار را صحیح
 تقاضا فرمود، امسک علیه السلام قرار گرفت آن ساری زنده اوست تا باشد.